



برزخ و چگونگی عذاب قبر / شیعیان عذاب قیامتی ندارند

همچنان که «نفس» باطن «تن» است، «عالم برزخ» هم باطن «عالم ماده» است و در هنگام مرگ انسان؛ زمین، «قبر تن» و برزخ، «قبر من یا نفس» خواهد بود.

همچنان که «نفس» باطن «تن» است، «عالم برزخ» هم باطن «عالم ماده» است و در هنگام مرگ انسان؛ زمین، «قبر تن» و برزخ، «قبر من یا نفس» خواهد بود.

به گزارش خبرنگار مهر، متن زیر نوشتاری از اصغر طاهرزاده در کتاب «ده نکته از معرفت نفس است» که بخش دهم آن از نظر می گذرد. بخش های قبلی این یادداشت را می توانید از قسمت اخبار مرتبط ببینید. قسمت پایانی این یادداشت نیز به زودی منتشر خواهد شد.

نکته دهم

برزخ و چگونگی عذاب قبر

همچنان که «نفس» باطن «تن» است، «عالم برزخ» هم باطن «عالم ماده» است و در هنگام مرگ انسان؛ زمین، «قبر تن» و برزخ، «قبر من یا نفس» خواهد بود.

علت آن که بعضی ها در مسأله معاد گرفتار شک شدند، یکی نشناختن نفس است که انسان را به کلی با بدن یکی گرفته اند و متوجه تجرد روح نشده اند، و دیگری هم مسأله نشناختن قبر است که گمان کرده اند منظور از قبر در نصوص اسلامی، همین قبرخاکی است، در حالی که به صراحت در روایات ما هست که منظور از عالم قبر، همان عالم برزخ است.

عمر بن یزید می گوید: امام صادق «علیه السلام» در باره این که شیعیان عذاب قیامتی ندارند فرمودند: «..... وَلَكِنِّي وَاللَّهِ اتَّخَوْفُ عَلَيَّكُمْ فِي الْبَرْزَخِ» [۱] ولیکن خدا می داند من نگران شما هستم در برزخ که در آن جا عذاب دارید. پرسیدم: «مالِ بَرْزَخِ؟» برزخ چیست؟ «قَالَ: الْقَبْرُ» فرمودند: برزخ همان «قبر» است. و غفلت نباید کرد قبر حقیقی انسان ها همان عالم برزخی است. عالم برزخی که عالمی است مجرد و مثل نفس انسان زنده است و شعور دارد، و بنا به فرمایش امام صادق «علیه السلام» این قبر هر روز می گوید: «من خانه غربت هستم.....» [۲]

معنی فشار قبر

حال در نظر داشته باش؛ فشار قبر مربوط به چه عالمی است؟ و در واقع نفس انسان است که در عالم قبر که همان عالم برزخ است، در فشار اعمال خود است. در رابطه با این که فشار قبر همان فشاری است که به علت عقاید و اخلاق سوء بر بدن برزخی وارد می شود؛ می توان به جریان «سعد بن معاذ» توجه کرد که از یاران خوب پیامبر «صلوات الله علیه و آله» بود و وقتی از دنیا رفت، حضرت رسول «صلوات الله علیه و آله» با پای برهنه تابوت او را به دوش گرفتند و فرمودند: صفوف ملائکه در تشییع جنازه حاضرند، و خود حضرت با دست خود او را در قبر گذاردند. در این حالت مادر سعد خطاب به او گفت: ای سعد! خوشا به حالت، بهشت گوارایت باد. حضرت فرمودند: اینک سعد را به واسطه بدخلقی که با خانواده اش داشت فشار قبر فرا گرفت، (بحار ج ۶ ص ۲۱۷).

پس اولاً: یکی از علت های فشار قبر، سوء اخلاق است.

ثانیاً: اگر این فشار از طریق قبر خاکی انجام می گرفت مسلماً همه حاضرین آن را می دیدند. پس معلوم است منظور از فشار قبر، فشار قبر برزخی است و «مَنْ» سعد را تحت فشار قرار داد که چشم برزخی پیامبر «صلوات الله علیه و آله» دیدند و از آن خبر دادند. [۳]

سؤال: اگر اصل انسان همان «مَنْ» اوست، پس چرا هنگام خواندن فاتحه نزد همین قبر خاکی می رویم؟

جواب: چون نفس یک نحوه تعلق به همین بدن خاکی و بالتبع به قبر خاکی دارد، به آن قبر خاکی توجه خاص می کند و ما با رفتن بر سر قبر او راحت تر با او ارتباط برقرار می کنیم و دعای ما برای او مؤثرتر است و دعای او نیز روی ما بهتر اثر می گذارد، به

شرطی که با عقیده صحیح و با اعمال صحیح بر سر مزار او برویم.

سؤال: اگر پس از مرگ، این بدن نقشی در شخصیت انسان ندارد و همه چیز مربوط به روح انسان است، چرا روی بدن مرده خاک نمی‌ریزند و لحد می‌گذارند تا روی بدن مرده خاک ریخته نشود؟

جواب: چون روح انسان در دنیا به بدنش تعلق دارد و پس از مرگ هم تا مدتی به آن بدن توجه دارد و لذا تمام حالاتی را که بر جسم می‌گذارد روح انسان برای خودش حس می‌کند و لذا باید بدن را هنگام دفن مراعات کرد تا «من» انسان اذیت نشود. حتی دستور داده‌اند بدن او را از سر وارد قبر نکنند، چون روح انسان احساس می‌کند خودش از سر وارد قبر شده و آزار می‌بیند. حتی بدن متوفی را باید غسل دهند و تمیز کنند و کفن او هم باید پاک باشد، چون تمام این حالات را برای خود احساس می‌کند.

در رابطه با تعلق نفس به بدن؛ دو نوع تعلق را می‌توان گوشزد نمود. یکی تعلق تدبیری که نفس از طریق به‌کار گرفتن تن، کمال مورد نیاز خود را تأمین می‌کند، که در هنگام خواب، در عینی که نفس از بدن گرفته می‌شود و به عالمی دیگر می‌رود، این تعلق برای او باقی است. یک تعلق دیگر هم نفس به بدن دارد که پس از مرگ نیز این تعلق تا مدتی برای روح نسبت به بدنش موجود است و آن تعلق خاطره‌ای است. یعنی به جهت این که مدتی با این تن زندگی کرده‌است و خاطرة ارتباط همواره برای او هست، به بدنش توجه و تعلق دارد، بدون آنکه بتواند بدنش را تدبیر کند. به جهت همین تعلق است که در دستورات دینی داریم که وقتی می‌خواهید به شخص متوفی تلقین کنید، ابتدا بدن او را به شدت تکان دهید، چون با این تکان دادن، روح متوجه شخص تکان‌دهنده می‌شود و لذا تلقین او مؤثر واقع می‌گردد.

در رابطه با قبر و برزخ و نفس انسانی؛ مطالب بسیار گسترده است، قصد ما روشن کردن معرفت به این نوع معارف از طریق معرفت نفس است و گرنه اصل موضوع را در کتاب‌هایی که در مورد برزخ و قیامت بحث کرده باید تعقیب نمود، که از جمله این کتب، می‌توان جلد ۸ و ۹ اسفار ملا صدرا «رحمة الله علیه» و یا «معاد یا بازگشت به خدا» از آیت الله محمد شجاعی را نام برد.

۱- فروع کافی ج ۱ ص ۶۶

۲- بحار ج ۶ ص ۲۶۷

۳- برای بیشتر روشن شدن موضوع قبر و فشار مربوط به آن می‌توانید به کتاب «معرفت النفس والحشر» ، و یا به نوشتار «چگونگی بدن اخروی» از همین نویسنده و یا به کتاب «معاد یا بازگشت به خدا» از آیت الله محمد شجاعی رجوع بفرمایید.